

یک زندگی سالم

ارغوان غلامی | عکس: ناصر محمدی

مریم رضایی متولد ۱۳۷۴ است و در زنجان زندگی می‌کند. او دیپلم تصویربرداری دارد و می‌خواهد همین رشته را در دانشگاه ادامه بدهد، اما در زنجان این رشته هنوز تدریس نمی‌شود. مریم امسال با این امید کنکور می‌دهد که شاید رشته کارگردانی و تصویربرداری در دانشگاه‌های زنجان هم دایر شود.

کرمه

ایران ۱۳۹۲

زمان: ۴ دقیقه و ۴۹ ثانیه

کارگردان، تهیه‌کننده و تصویربردار: مریم رضایی
خلاصه داستان: افراد خانواده با تهیه سوخت طبیعی از فضولات حیوانی هم غذای خود را طبخ می‌کنند و هم موجب گرم شدن خانواده می‌شوند.



روستا سخت‌تر زندگی می‌کنند، اما زندگی‌شان کم‌هزینه‌تر و سالم‌تر است. برخلاف مردم شهر که هزینه‌های زیادی می‌کنند تا راحت‌تر زندگی کنند.

■ **وسایل فیلم‌برداری، مثل دوربین را هم از مدرسه گرفتی؟**

آن زمان مدرسه در اختیارمان قرار می‌داد، ولی نمی‌توانستیم به مدت طولانی از آن استفاده کنیم، برای همین من خودم با کمک خانواده‌ام دوربین و باقی وسایل را تهیه کردم.

■ **خانواده‌ات با اینکه دخترشان**

فیلم بسازد، مشکلی ندارند؟
نه، کاملاً برعکس، خیلی هم تشویقم می‌کنند.

■ **ساختن این فیلم چهار دقیقه‌ای چقدر زمان برد؟**

حدود یک ماه.

■ **فیلم‌سازی را ادامه می‌دهی؟**
بله. فیلم‌سازی را خیلی دوست دارم. از الان

بله انصافاً خیلی گرم می‌کند، شاید بیشتر از بخاری و شوفاژ، اما فقط اطرافش را، کمی که فاصله بگیرم، آن هم در آن هوای سرد، یخ می‌زنی.

■ **ریشه کلمه‌اش از کجاست؟**

نمی‌دانم، کلمه‌ای آذری است که به فارسی می‌شود کتم.

■ **چطور شد که رفتی سراغ این**

کرمه‌ها و فیلم ساختن از آنها؟

برای مدرسه باید هر کس پروژه‌ای ارائه می‌داد. من هم به دنبال موضوعی خاص بودم، کرمه را دیده بودم. مادر بزرگ و پدر بزرگم در داش کسن هستند و از کرمه استفاده می‌کنند. برای همین رفتم آنجا و چند روزی ماندم و فیلم را ساختم.

■ **حالا فکر می‌کنی کرمه بهتر است یا بخاری و شوفاژ؟**

به نظر من کرمه. چون از طبیعت است و به طبیعت هم برمی‌گردد. هزینه‌ای هم ندارد. می‌دانید درست است که آدم‌های

■ **کرمه یعنی چه؟**

فضولات گوسفندی که به جای سوخت استفاده می‌شود.

■ **چطور؟**

فضولات ته‌نشین و سفت‌شده در طولیه را برمی‌دارند و آنها را در حفره‌هایی می‌گذارند که کف خانه کنده‌اند و به آنها تنور می‌گویند. آنها را روشن می‌کنند و بعد از مدتی سوختن، آتش و دود آنها تمام می‌شود و فقط گرمایش می‌ماند. آن وقت رویش یک کرسی می‌گذارند و باقی ماجرا.

■ **یعنی جایی که از کرمه استفاده می‌کنند از نفت و گاز ... خبری نیست؟**

بله، سوخت اصلی آنها کرمه است. من برای ساختن این فیلم تا روستای «داش کسن» رفتم.

■ **پس باید خوب گرم کند، درست است؟**

واژه‌نامه

کلاکت

تخته کوچکی که مشخصات هر نما را روی آن می‌نویسند و برای مشخص شدن هویت آن نما، چند لحظه‌ای جلوی دوربین فیلمبرداری می‌گیرند.

دیالوگ ماه

فامیل دور

سه نوع دور داریم:
اونی که دستت بهش نمی‌رسه...
اونی که چشمش بهش نمی‌رسه
اونی که فکرت هم بهش نمی‌رسه



معرفی مشاغل سینمایی

منتقد سینما

اگر روزی به سرتان زد یک منتقد موفق بشوید، بدانید منتقد کسی است که درباره فیلم‌ها و فیلم‌سازان، مقالات تخصصی می‌نویسد و می‌کوشد به ارتقای دانش سینمایی و درک و لمس بهتر دنیای فیلم توسط خوانندگان مجلات و کتب تخصصی کمک کند.

نه بیرون از مدرسه کلاس‌هایی برای این کار وجود داشت. تجربی یاد گرفتیم.

و حرف آخر؟

من فکر می‌کنم در زنجان افراد زیادی مثل من هستند که به هنر علاقه دارند. اما اینجا خیلی امکانات ندارد. حتی این رشته‌ها در دانشگاه‌های زنجان هم تدریس نمی‌شود. از مسئولین می‌خواهم که به این جور مسائل هم رسیدگی کنند.

برای فیلم بعدی‌ام هم برنامه‌ریزی کرده‌ام.

برنامه‌ریزی؟

بله، یعنی فیلم‌نامه‌اش را نوشته‌ام و برای تهیه وسایلیش تصمیم گرفته‌ام، مثل اینکه فلان تاریخ برای فلان صحنه به کجا بروم.

■ **برای فیلم‌نامه‌نویسی کلاسی رفتی؟**

نه! اینجا نه در مدرسه به ما یاد دادند و

سینموفتوگراف

و بالاخره «آبی و رابی»

اولین فیلم بلند سینمای ایرانی «آبی و رابی» بود که «آوانس اوهانیان» آن را در سال ۱۳۰۸ نوشت و کارگردانی کرد. این فیلم ۳۵ میلی‌متری بالاخره با وسایل ناقص فنی، به زحمت چاپ و ظاهر شد. آبی و رابی ۵۶۰ تومان خرج برداشت و حدود هفت هزار تومان عاید

اوهانیان کرد. بخشی از این فیلم کمدی را حرکات دو مرد کوتاه و بلند تشکیل می‌داد و بخشی از آن نیز نقاشی بود. نقاشی‌ها را فردریک تالبرک (نقاشی که آرم راه‌آهن دولتی ایران را ساخت) تهیه کرده بود. پس از گذشت پنج سال از آغاز سینمای ناطق، اوهانیان قصد کرد دومین فیلم صامت خود را بسازد؛ «حاجی آقا آکتور سینما». او معتقد بود

فیلم باید به شیوه کمدی ساخته شود تا مردم را به سینما بکشاند و در همان حال خیال تهیه‌کننده هم از بازگشت پولش راحت باشد (یعنی درست همان چیزی که تا سال ۱۳۵۷ چون یک بختک در سینمای ایران دوام آورد). با ابراز این فکر توسط اوهانیان داستان «حاجی آقا آکتور سینما» طوری انتخاب شد که به اصطلاح جهت فکر مردم را تغییر دهد.